

اسلام

و

دانش

«قسمت پنجم»

استاد فریدون سپری

نویسنده و محقق - کرمانشاه

اسلام، اجرای قانون علیّت را به اراده و مشیّت خداوند وابسته می‌کند و سلسلهٔ عوالم و مکونات هستی را در انحصار قضا و تقدیر الهی می‌داند و خلقت بدون ارادهٔ حضرت حق را غیر ممکن می‌شمارد.

اعتقاد به علّت العللی پروردگار مغایرتی با انتظام عمومی کائنات ندارد و مشیّت و تقدیر خدایی ضامن اجرای نظم سیستماتیکی جهان است و انسان در پهنهٔ هستی مهبط نزول صفات جلال و جمال خداوند است. و آفرینندهٔ جهانها که علیم و علام است به آدمی نیز صفت‌های دانایی و توانایی و... بخشیده است که به نیابت حضرتش در کشف و اختراع بکوشد و از دهلیزهای مخوف و خطرناک جهل و جاهلیت بگذرد و دل را به امواج متلاطم طوفانهای مسیر حیات بسپارد و با سلاح علم و خرد به قوانین و یاساهای پدیده‌های هستی دست یابد و خود را از تنگناهای نادانی برهاند و به امواج جامعه بپیوندد و خارهای راه را بردارد و در دریای وجود به مرواریدهای درخشان حکمت و معرفت دسترسی پیدا کند و از سختیها، ناملازمات، دردها و رنجها نهراسد.

علم قرآنی، فراسویی است که ماوراء را به جهان خاکی

می‌پیوندد و دریچه‌های آگاهی را به روی انسان می‌گشاید و انسان را از اسارت فرهنگی ماده‌مداری نجات می‌دهد.

دانش اگر با حکمت رنگ‌آمیزی نشود، دانشیان به بی‌راهه خواهند رفت و فرهنگ سلطه‌طلبی و لذت‌مداری بر آنان سیطره می‌یابد و حرامیان فرصت طلب و سودجویان بی‌بند و بار بر معبد علم مسلط می‌شوند و آن خانه رحمانی را به آتشکده ظلمت و ستم تبدیل می‌کنند.

در آیهٔ ۱۶۴ سوره آل عمران آمده است: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم يتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین»؛ یقیناً خداوند بر مؤمنان منت نهاد در آن زمان که پیامبری را در میانشان از جنس خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و ایشان را (از افکار و اندیشه‌های نادرست و اخلاق زشت) پاک می‌کرد و کتاب (قرآن) و حکمت (راز احکام و شریعت) را به آنان می‌آموخت اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکاری (غوطه ور) بودند.

در این آیه به چند نکته اساسی و مهم اشاره شده است:

- ۱- رسالت پیامبران از باب منت و فیض الهی است.
- ۲- پیامبران، از توده مردم انتخاب شده‌اند.
- ۳- انبیاء مکلفند که آیات و کلام الهی را برای مردم بیخوانند و پیامبر بزرگوار اسلام نیز چنین کرد.
- ۴- تزکیه نفوس از رذایل شیطانی و آراسته شدن به فضایل اخلاقی، هدف عالی انبیاء است.
- ۵- آموزش کتاب خدا و سنت مطهره و حکمت الهی، دو بال پرواز وجود آدمی‌اند.

تعلیم قرآنی صحنه روان را از ناملازمات و ناهنجاریها، باز می‌دارد و آینه دل را به پاک کردن و تزکیه همه جانبه، توصیه می‌کند. علمی که صورتی معنوی نیابد و در میدان پالایش روحی، به کمک آدمی نیاید سلطه‌آفرینی و ذلت‌پذیری نفسانی را به دنبال خواهد داشت. و دانشمندان حقیقی توانسته‌اند با بالهای دانش و حکمت در فضاها معنوی پرواز کنند و جهالتها را به بند کشند. محوریت وجود منهای

تمام پدیده و جلوه‌هایش بازتابی از اراده آفریننده مطلق صاحب اقتدار و قدرت‌نما است و همه این عوامل، با هر چه در آنها است، بیرون از انتظام تقدیری امر «کن» نیست. و ارسال رسل از حلقه‌های اتصالی قوانین فطری و تقدیری نظام عالم است. «ما کان علی النبی من حرج فیها فرض الله له سنة الله فی الذین خلوا من قبل وکان امر الله قدراً مقدوراً»^(۲)؛ هیچگونه گناه و تقصیری بر پیغمبر نیست نسبت به آنچه که خدا بر او واجب و لازم کرده است. این سنت الهی در مورد پیغامبران پیشین نیز جاری بوده است و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیق است که باید حتماً به مرحله اجرا در آید.

علوم قرآنی ما را به حلقه‌های اتصالی کائنات و سیستم منظم و هماهنگ آیات انفسی می‌پیوندند و فلسفه چگونه زیستن را به ما می‌آموزند.

امروزه علم به «قدر» و اندازه را در دانشهای پایه، می‌یابیم و همه هم و غم دانشمندان در جهات مختلف تکاپو و تلاشهایشان بر محوریت اکتشاف و اختراع صرف می‌شود و پی بردن به مواد دستگاه آفرینش و تحلیل و تبیین قضایای پیچیده هستی جز حرکت در مسیر نظام تقدیری خداوند نیست.

جهان و آنچه در او است بر محور اراده و مشیت حق می‌چرخد و از خزانه روزیها و سر چشمه خوبیها، انسان نیز سهمی دارد و هر چیز بر مبنای نیاز و بهره‌وری خردمندان، محاسبه می‌گردد و سنجیده و حساب شده برای بشر و جهان گسیل داشته می‌شود: «وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»^(۳)؛ و پدیده‌ای وجود ندارد مگر اینکه گنجهای آن در نزد ما است و جز به اندازه معین و مشخصی (که حکمت ما اقتضا کند) آن را فرو نمی‌فرستیم و قدر معلوم، فصل الخطاب قوانین آفرینش است که قوام هستی متکی به آن است و در سراسر پهنه هستی یعنی آیات آفاقی و انفسی حکمفرما است و ظهور و نمود اشیاء و اجزای عالم، جلوه‌هایی از این قانون تقدیری

خدا محور ضلالت‌زا است و عالمان فرصت‌جو، حرامیان راهند که دل‌هایشان را ارزان به شیطان فروخته و خود را به اسارت ضد ارزشها درآورده‌اند! علم، در زبان قرآن، حقایق و ارزشها را می‌آموزد و حکمت، رازهای پدیده‌های معنوی و اسرار احکام الهی را می‌نماید و دریچه تعهد و مسؤولیت را به روی مؤمنان می‌گشاید. با دانش، آموخته می‌شویم و با حکمت راه را از چاه می‌شناسیم.

دانش بدون حکمت ضلالت‌آفرین و سلطه‌زا است و صرف دانش محوری، حرکتی آگاهانه بر ضد ارزشها، و معارف انسانی خواهد بود. حکمت ما را با ریسمانهای تعهد و فضیلت می‌بندد که بسوی ناموزونهای ضد معرفت حقیقی حرکت نکنیم و بال و پر پرواز بسوی ارزشهای اخلاقی و حیات خدامداری به ما می‌بخشد.

اگر بایده حکمت به قضایا و مسائل هستی بنگریم همه علوم و معارف را از امر «کن» و فرمان مشیتی الهی می‌دانیم و نظام مستحکم و متقن پدیده‌های کائنات را جلوه‌های تقدیری و تکوینی پروردگار می‌شماریم و به فضاهای معنوی دل روی می‌آوریم و آیات نازله حضرت ربوبیت را در صحیفه قلب می‌نگاریم و با کلام خداوند هماهنگ می‌شویم که: «انا کل شیء خلقناه بقدر»^(۱)؛ ما هر چیزی را به اندازه لازم و بر مبنای حساب و نظام آفریدیم.

این اندازه‌گیری و تناسب میان اجزا و اعضای پدیده‌ها از ذرات الکترونها و پروتونها گرفته تا کهکشانها و خورشیدها و سیارات و آفریدگان عوالم گوناگون هستی، با کمال دقت و محاسبه علمی، رعایت شده است و در سراسر خطه جهانهای پهناور فراسویی و این سویی نقطه ابهام و اشکالی به چشم اهل بصیرت و معنا نمی‌آید و جهان با زبان تقدیری و تکوینی به ما می‌گوید که هر چه در توان دارید بکار برید تا بیشتر به این سلسله نظم عمومی کائنات آگاه گردید.

قرآن با بلاغت و ویژه خود اعلام می‌دارد که سنت خداوندی در آفرینش موجودات بر مبنای قوانین تقدیری و موازین قضاء خداوند است و کائنات با

✓ علوم
قرآنی ما را به
حلقه‌های
اتصالی کائنات و
سیستم منظم و
هماهنگ آیات
انفسی
می‌پیوندند و
فلسفه چگونه
زیستن را به ما
می‌آموزند.

الهی است.

علم در نظر قرآن پالایشی است و باید آدمی را به نوعی خود بیداری و آراستگی ظاهری و باطنی برساند و اگر عالمان، متصف به حکمت و درک فلسفه حیات نباشند، نمی‌توانند خویشتن خویش را از بردگی نفس و اقتدار شهوانی نجات دهند و تحول معنوی و خروج از مدار خودمحوری و علم پرستی به دو بال علم و حکمت نیازمند است و در آیات چندی علم، حکمت و تزکیه، سه عامل اساسی نهضت‌های انبیا و حرکت‌های توحیدی است. آنگاه که دانش بر آدمی سیطره یابد و بند بندگی حضرت ربوبیت بر وجود گسسته شود، نیروی خود بزرگ‌بینی و کبرورزی بر او، چیره می‌گردد و درهای معرفت و خداشناسی به رویش بسته خواهد شد. و آن زمان که علم با حکمت بر دل و مغز، راه یابد، دریچه خیر و برکت به روی انسان گشاده می‌شود و دل به بصیرت و آگاهی معنوی راه می‌یابد: «یوتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً و ما یذکر الا اولوا الالباب»^(۱)؛ حکمت (فرزانگی)، کردار و گفتار درست، و انجام هر کاری بر سبیل خواست حق و شیوه مناسب) را به هر کس که بخواهد می‌دهد و به هر کس که حکمت داده شود، بی‌گمان خیر فراوانی به وی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر و پندپذیر نمی‌شوند.

اگر دنیای ماده‌گرای امروزی، علم را با طنابهای شهوات و لذت‌مداریها به بند می‌کشد به علت نداشتن ملکه حکمت و دوری از فضیلت‌های اخلاقی است و آن زمان که فرصت‌طلبان سودجو و یغماگران علم فروش و سوسه‌گر توبه‌کنند و خود را به زیور حکمت بیاریند، بشریت از دام مهلک نفسانیات رها می‌گردد و فرشته دانش از بند شهوات و خودمداری آزاد می‌شود.

اگر دانشمندانی هستند که علم را در بازارها می‌فروشند و ارزشها را در دکه‌ها، به ثمن بخش معاوضه می‌کنند و لابراتوارها، آزمایشگاهها و محافل علمی و دانشگاهی را به اسارت سرمایه و ثروت و

شوکت ظاهری لذت‌طلبی، در آورده‌اند، اولین و آخرین حرکات ضد توحیدی و علمی نیست و بشر در ادوار گوناگون همواره با این خطرها روبرو بوده است و خواهد بود.

علم قرآنی، حکمت‌زا و تصویر آفرین است، یعنی علم، دانش را با حکمت می‌آراید و گفتار و کردار را از انجام ناصواب و ضد ارزش باز می‌دارد.

خیر کثیر در معنای بریدن زنجیرهای شهوت‌مداری و اضمحلال و نابودی هر چیزی است که آدمی را به اسارت و بندگی شیطان در می‌آورد و درهای رحمت و عنایت حضرت حق را به رویش باز می‌کند. ثروت و اقتدار مادی حاکم بر علم، به جای خدمت به دربندیان و محرومان، آنان را به زیر سیطره خود در می‌آورند و درهای آرامش و آسایش مادی و روحی را بر آنان می‌بندند.

خیر کثیر یعنی متصل شدن به سیستم منظم چرخش هستی و شکوفایی دل از فضایل اخلاقی و مکارم علمی و آزاد شدن از قیودی که بر دست و پای هنرمندان راستین و صلاح‌اندیش بسته شده است و رها کردن همه آثار فرهنگ شهوت‌مداری و کسب انرژی از هر چه و هر که، در مسیر هدایت قرار گرفته است.

قرآن به ما می‌آموزد که خدا، بر همه موجودات آسمانی و زمینی سیطره دارد و از رازهای همه ساکنان آسمانها و زمین، آگاه است.

و علم او، مترتب بر زمان و مکان نیست و هیچ اتفاق و پدیده‌ای در هستی از شعاع دایره علم خداوند، بیرون نخواهد بود: «ان الله یعلم غیب السموات و الارض و الله بصیر بما تعملون»^(۲)؛ خداوند رازها و اسرار آسمانها و زمین را می‌داند و او آنچه را که انجام می‌دهید، می‌بیند.

حرکت آدمیان در کشف مجهولات عوالم گوناگون خلقت بار تعهد و مسؤولیتشان را سنگین و سنگین‌تر می‌کند و بکارگیری دانش در ایفای این وظیفه خطیر بر ارزش آنان می‌افزاید و قرآن می‌گوید که سرچشمه

✓ علم

در نظر قرآن

پالایشی است و

باید آدمی را به

نوعی خود

بیداری و

آراستگی ظاهری

و باطنی برساند

و اگر عالمان،

متصف به حکمت

و درک فلسفه

حیات نباشند،

نمی‌توانند

خویشتن خویش

را از بردگی نفس

و اقتدار شهوانی

نجات دهند.

این باره وحدت و هماهنگی بیشتری ایجاد نمایند: «قال ان الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة في العلم و الجسم»^(۱)؛ گفت: خدا او (طالبوت) را بر شما برگزیده است و دانش و قدرت بدنی او را وسعت بخشیده است.

این آیه یکی از درخشان‌ترین ارکان اصلی حیات آدمیان را که سلامت جسم است، توصیه می‌کند. زیرا اگر دانشمندان و پژوهندگان و سیاستمداران و همه کسانی که به علم روی می‌آورند، از صحت بدنی و سلامت روانی برخوردار نباشند نمی‌توانند به نبرد با تاریکیهای جهل پردازند و حیات انسانها را به نور علم بیفزوزند.

بر جوامع اسلامی لازم است که در تعلیم و تربیت در مدارس و دانشگاهها از این اصل قرآنی تبعیت نمایند و فرزندانشان را از عفريت بیماری و ناتوانی نجات دهند و درهای علم و معرفت را به رویشان بکشایند و تعلیمات خویش را بر محور سلامت جسم و روان قرار دهند.

نمی‌دانم دست‌اندرکاران جهان اسلامی در زمینه‌های آموزش و پرورش، به بسط علم و رشد جسم چگونه که قرآن می‌فرماید توجه عمیقی دارند یا به همان صورت که سیستم فرهنگی غرب با آن رویرو است کماکان قهرمان پروری می‌کنند و می‌خواهند کالایی به نام ورزش را ارائه دهند! اشتباه نشود که ورزش جسم و روح از مبانی اولیه تعلیم و تربیت است ولی صورت و فرم ظاهری به آن دادن و در درون بگونه دیگر عملی کردن بر خلاف اوامر اسلام است. من معادلی برای بسط جسم و علم در دنیای پژوهشگر امروزی ندیده‌ام و اینهمه مراکز تربیتی و علمی و کاربردی تاکنون نتوانسته‌اند موازنه‌ای منطقی و اصولی بین این دو ایجاد کنند و فرازهایی هم که دیده شده است یک نابرابری را به تصویر می‌کشند که دو کفه ترازوی بسط علم و جسم با هم برابر نیست و دبیرستانها و دانشگاهها و منابع آکادمیک قادر به انجام این مهم نبوده‌اند؛ بسط دانش یعنی گسترش آن در همه زمینه‌ها و نبردی سرسختانه با جهل و محرومیت دور

از همه بارهای خطرناک سلطه، و خدمت به انسان در مرکز تحقیقات قرار گرفتن.

بسط جسم هم حرکت در مسیر نبردی جانانه است با هر چه سلامت جسم و روان را به خطر می‌اندازد و درهای تندرستی و روانشناسی را به روی بشریت می‌گشاید. افراط و تفریط در این راه، زیان‌های جبران ناپذیری را در بر دارد، و بکارگیری اعتدال، جوانان ما را از بسی هویتی و خود نشناسی نجات می‌دهد و درهای فیض و رحمت حق را به رویمان می‌گشاید.

علم باید در مسیر هدایت و تکامل خلق، قرار گیرد، تا به ندای تکوینی کائنات پاسخ داده باشد و به حلقه‌های منظم سیستماتیکی وجود پیوندد. عدم حرکت در این مسیر، انحراف از رسالت جاودانی علم و به بند کشیدن ارزشهای انسانی است: «ولقد جئناهم بكتاب فصلناه علی علم هدی و رحمة لقوم یؤمنون»^(۲)؛ بیگمان کتاب بزرگی (به نام قرآن) را برای ایشان فرستادیم که با آگاهی (کامل از استعدادها و فطرت انسان و سرنوشت جهان، احکام و معانی) آن را توضیح داده و تبیین کرده‌ایم تا مایه هدایت (ایشان به سوی سعادت) و رحمت (خدا در هر دو سرا) برای کسانی باشد که مؤمنین (بدان) باشند.

در این تصویرگری قرآنی علم تفصیلی و فراگیر و همه سونگر در راه هدایت تکوینی و کشف معضلات حیات، نگرش به همه پدیده‌های هستی است که دانشمندان متعهد و تلاشگر جویای آنند. علمی انبساطی به وسعت پرواز تفکر و پرش برق‌آسای اندیشه و زمانی که پژوهشگران در این شاهراه علم قدم بگذارند، اشراق پروردگار نیز کتاب تفصیلی را بر ایشان می‌گشاید و دستهایشان را به نور هدایت روشن می‌گرداند. فصل الخطاب این اشراق، رحمت خداوندی است که همواره به کمک جستجوگران می‌آید و تار و پودشان را نورانیت می‌بخشد و اندیشه را به پرواز در می‌آورد که به هدف برسد و به سلسله مکونات متصل بشود.

... ادامه دارد

«والسلام»

✓ اگر
دانشمندان و
پژوهندگان و
سیاستمداران و
همه کسانی که به
علم روی
می‌آورند، از
صحت بدنی و
سلامت روانی
برخوردار نباشند
نمی‌توانند به
نبرد با
تاریکیهای جهل
پردازند و حیات
انسانها را به نور
علم بیفزوزند.